

تحلیل جایگاه زنان در گفتمان امام خمینی (ره)

منوچهر رشادی^۱

پروین علی‌پور^{۲*}

چکیده

هدف: در تحقیق حاضر برآنیم تا نظام معنایی جایگاه زنان در گفتمان امام خمینی (ره) و دلالت‌های الگوی سوم زنان مدنظر ابرگفتمان انقلاب اسلامی را بازشناسیم.

روش‌شناسی پژوهش: با روش تحلیل گفتمان لاکلو و موفه جایگاه زنان در سخنرانی‌های امام که در جلد‌های مختلف صحیفه گردآوری شده، تحلیل شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که دال مرکزی سوژه زن در گفتمان امام (ره) «زن مسلمان» است. دال‌های حجاب و عفاف، مساوی با مرد، مشارکت سیاسی، آزاد، تربیت‌کننده، مقام مقدس مادری و عالم و باتقوا نظام معنایی «زن مسلمان» را مفصل‌بندی کرده و سامان می‌دهند و چنین زنی است که می‌تواند با حضور در عرصه‌های مختلف اجتماع حافظ انقلاب اسلامی باشد. اما دال خالی این صورت‌بندی مسائل حقوقی است.

نتیجه‌گیری: به نظر لاکلو و موفه تطور گفتمانی زمانی رخ می‌دهد که پادگفتمان‌ها شروع به تشکیک در نشانگان معنایی گفتمان مسلط کنند. گفتمان‌های رقیب می‌توانند در نقش یک گفتمان ضدژمونیک ظاهر شوند و یک رشته کنش‌های جمعی را در بر گرفته و در بازتولید نظم اجتماعی - سیاسی حاکم ایجاد اختلال کنند. از این رو لازم است که هویت «زن مسلمان» مورد توجه جدی قرار گیرد و ضمن نگهداشت و پاسداشت هسته اصلی‌اش دلالت‌های به روز آن در جامعه ایرانی که در حال تحول و دگرگونی دمام است، بازتعریف و بازبرساخت شود.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی (ره)، تحلیل گفتمان لاکلو و موفه، گفتمان، زن مسلمان، نظام معنایی.

Email: m.reshadi@basu.ac.ir

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Email: palipoor@ut.ac.ir

۲- دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

از منظر گفتمانی، جایی که موضع‌گیری گفتمان تجدد در مواجهه با غرب و فرآورده‌های تمدنی، روشنفکران خارج از ساخت قدرت سیاسی را از نخبگان سیاسی حاکم بر حسب پابندی بر بُعد ایجابی یا سلبی مدرنیته از یکدیگر متمایز و گاه معارض یکدیگر می‌ساخت، روحانیت و در رأس آن نهاد مرجعیت به واسطه جایگاه خود در جامعه‌ی دینداران مهم‌ترین گروهی بود که در معارضه با اقدام حکومت در تقلید از غرب و نادیده گرفتن احکام شرعی، سعی می‌کرد در کلام خود، سوژه‌ی برساخته شده در گفتمان پهلوی را از معنای کارگزار ترقی و پیشرفت تهی سازد و از فراز آزادی و برابری دموکراتیک به سمبل فساد و فحش‌های حکومتی فرواندازد (نیک‌خواه قمصری و صادقی فسائی، ۲۰۱۱: ۱۲). گفتمانی جدیدی که شکل گرفت یک پا در سنت و یک پا در تجدد داشت. به این معنا که گفتمان انقلاب اسلامی برخی از دال‌های گفتمان سنت را حفظ کرده (به‌عنوان مثال در حوزه حقوق زنان) و برخی دال‌های آن را به دلیل واپس‌گرایی طرد کرده است (آموزه‌های گفتمان سنتی نسبت به برتری ذاتی مرد نسبت به زنان را به چالش می‌کشد) همچنین این گفتمان برخی دال‌های گفتمان تجدد (به‌عنوان مثال حضور زنان در اجتماع) را در مفصل‌بندی گفتمانی خود سامان داده است البته با تفسیر خاص خود از این دال‌ها.

در فرایند انقلاب اسلامی چنین گفتمانی که با تمامی بداعتش ریشه در سنت دیرینه اسلام داشته به‌مثابه یک ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی‌ساز ظاهر شد. قرائت واسازانه آیت‌الله خمینی (ره) رهبر فقید انقلاب از اسلام (حداقل در پاره‌ای از وجوه)، چهره ایدئولوژیکی بدان بخشید که تمامی دقایق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر گفتمان‌های سیاسی- اجتماعی مدرن و رهایی‌بخش را در خود انعکاس می‌داد. در ثقل گفتمان انقلابی، اسلام به‌مثابه یک دال متعالی نشسته بود. غنای مفهومی و محتوایی چنین دالی تمامی زوایا و زمینه‌های زندگی آدمی را در بر گرفته^۱، سیاست را هم‌نیشین دیانت کرده^۲ هر دو را با سیمایی عرفانی تزیین کرده، و هر سه را در کنش اجتماعی در منزلت «تئوری راهنمای عمل» نشانده بود (تاجیک، ۱۹۹۸: ۹۰-۹۱).

بدین ترتیب اسطوره حاکمیت ارزش‌های الهی، طرحی سیاسی بود که به نفی وضع موجود و ترسیم آینده ایده‌آل و مورد انتظار پرداخت. بنابر نظریه گفتمان لاکلو و موفه (۲۰۱۴) یک اسطوره زمانی به پنداره تبدیل می‌شود که بتواند دیدگاهش را به‌مثابه دیدگاه کل جامعه مفصل‌بندی کند. وقتی اسطوره حاکمیت ارزش‌های الهی توانست ثابت کند که قادر به ترکیب خواسته‌های اجتماعی است، تبدیل به پنداره جمهوری اسلامی شد و در نهایت خود را «در دسترس» (در موقعیتی قرار داد که هیچ گفتمان دیگری

۱. اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت دارد (صحیفه‌نور، ج ۲۱: ۱۵).

۲. ... اسلام تماش سیاست است ... سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می‌گیرد (صحیفه‌نور، ج ۱: ۶۵).

خود را برای جانشینی هژمونیک نشان نداد) معرفی کرده و توانست «اعتبار» (اصول پیشنهادی‌اش با اصول بنیادین جامعه سازگار بود) کسب کند.

وضعیت زنان نیز به مانند دیگر سوژه‌های اجتماعی و سیاسی، تحت تأثیر گفتمان نوپدید دچار تحول و دگرگونی شد. گفتمان انقلاب اسلامی ضمن نگه‌داشت برخی دال‌های گفتمان سنتی در خصوص زنان، اقدام به نقد وضعیت انفعالی زن در آن کرد، و همچنین با شالوده‌شکنی از نظام معنایی جایگاه زن در گفتمان تجدد بالاخص نشانه «کشف حجاب (غربی شدن)»، فعالیت اجتماعی زنان در حکومت پهلوی را به‌مثابه «فحشا» و «ضد دین» معرفی کرده بدین‌وسیله با همراهی توده مذهبی مردم، شالوده‌ی گفتمان تجدد را دچار تخریب و فروپاشی می‌کند.

گفتمان نوپدید باب گفتاری جدید در مورد زنان را می‌گشاید. مفهوم «زن مسلمان» حاصل این تفکر بود. این زن جدید در مقایسه با زن سنتی از حقوق و اختیارات بیش‌تری برخوردار بود اما در عین حال از تمام مسئولیت اجتماعی وی در شرایط موجود، بر وجه انقلابی و مسئولیت انقلابی آن تأکید می‌شد. زنی بود منازع و جدا از قید و بندهای دو گفتمان سنتی و مدرن و در عین حال توسط عناصر هر دو گفتمان سنت و تجدد نیز احاطه شده بود (قوام و اسدی، ۲۰۱۴: ۲۷). بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی «زن مسلمان» می‌بایست به منظور ایفای نقش‌های مادری و همسری خود در چارچوب خانواده توأم با مشارکت فعال در حیات سیاسی و اجتماعی خود بر دو محدودیت فائق آید: اول محدودیتی که به‌واسطه‌ی تفکر محافظه‌کارانه‌ی سنتی در قالب عرف‌ها و رسوم اجتماعی - که غالباً با دین نیز بی‌ارتباطند - زن را از حقوق واقعی‌اش محروم ساخته و دوم محدودیتی که به‌واسطه‌ی تفکر غربی زن را به وادی ابتدال و شی‌وارگی کشانده و او را از آزادی و اصالتش بی‌بهره می‌سازد (نیک‌خواه قمصری و صادقی‌فنائی، ۲۰۱۱: ۲۳). به سخن دیگر گفتمان انقلاب اسلامی عدم کفایت هر دو نظام معنایی اسلام سنتی و تجدد را در پاسخ به نیاز «زن مسلمان» در عصر جدید آشکار ساخته و آن‌ها را برای تجدید بنیای هویت زن مسلمان دچار نقیصه یکسان - در تن ماندن - می‌بیند (نیک‌خواه قمصری و هلالی ستوده، ۲۰۱۲: ۱۶۰). در واقع، تلاش در جهت ارائه تصویری از «زن مسلمان» است که ضمن رعایت قوانین و قواعد اسلامی، حضور مؤثر و تعیین‌کننده [برای حفظ جمهوری اسلامی] در اجتماع دارد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که نظام معنایی «زن مسلمان» که در گفتمان انقلاب اسلامی تحت زعامت امام خمینی (ره) ظهور پیدا کرد؛ حول کدام دال‌ها شکل می‌گیرد؟

پیشینه تحقیق

جایگاه زنان در گفتمان انقلاب اسلامی و برساخته «زن مسلمان» ریشه در گفتمان و اندیشه‌های امام خمینی (ره) دارد. از این‌رو در مرور پیشینه به تحقیقاتی که جایگاه زنان را در گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان امام خمینی (ره) اشاره می‌کنیم.

شریفی (۱۳۹۰) در مقاله پژوهشی «جایگاه زن در ارتقای معنوی جامعه از دیدگاه امام خمینی(ره)»، بیان می‌دارد که زنان به دلیل ظلم‌هایی که در تاریخ بشر و رژیم‌های پیشین علیه ایشان روا داشته شده، جایگاه ویژه‌ای در اندیشه امام خمینی(ره) پیدا کردند. مجموعه تألیفات و سخنرانی‌های ایشان در مورد زنان نشان می‌دهد که مسائل این قشر از مهم‌ترین دغدغه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ تا آنجا که می‌توان «گفتمان امام خمینی(ره) در مورد زنان» را یکی از موضوعات اندیشه امام دانست. امور معنوی زنان در این گفتمان جایگاه ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین اصل در تعالی معنوی زنان، این است که خود بر اساس معنویت دینی که آموزه‌ها و منطق اسلام بر آن استوار است؛ ساخته شوند. این آموزه و منطق را می‌توان در آیین اندیشه اندیشمند و اسلام‌شناس راستین، حضرت امام خمینی(ره) نگریست. ایشان بهترین و کامل‌ترین الگویی است که جایگاه معنوی زنان را در ساختن و پرداختن جامعه بشری تبیین کرده‌اند. نویسنده در مقاله بر دیدگاه‌هایی چون خودباوری زنان، معرفی الگو، حجاب، تعلیم و تعلم، تهذیب و تقوا و انسان‌ساز بودن زنان تمرکز که با معنویت و نقش اجتماعی زنان ارتباط دارد؛ تمرکز کرده است.

یافته‌های تحقیق «زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی(ره)»؛ نشان می‌دهد که زن در آینه کلام امام خمینی(ره) در پیوند با مقولاتی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، آزادی، برابری، شجاعت، حق و حتی تکلیف مشارکت در تعیین سرنوشت خود و... بر خلاف دو نظام معنایی سنتی و مدرن، به‌عنوان سوژه‌ای فعال، آگاه، انتخابگر و مسئول ساخته شده است و نه در مقابل بلکه در کنار مرد و نه در عرصه‌ای خاص که در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی عهده‌دار وظیفه ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام و ارزش‌های الهی آن معرفی می‌شود (نیک‌خواه قمصری و صادقی فسائی، ۲۰۱۱).

طبق یافته‌های تحقیق «امام خمینی(ره) و برساخت هویت زنانه در انقلاب اسلامی چگونگی واسازی گفتمان پهلوی دوم و هژمونی معنایی امام خمینی(ره)»، دال مرکزی گفتمان امام خمینی(ره) حفظ عفت و دینداری است و با وجود همسانی نشانه‌ای بعضی از دال‌های این گفتمان با گفتمان‌های هژمونیک شده در دنیای غرب، مانند فعالیت اجتماعی و آزادی، اما همین دال‌ها نیز در حول محوریت حفظ عفت و دینداری در این گفتمان تعریف می‌شود و معنایی دیگر و متفاوت با گفتمان‌های رقیب از آن‌ها خلق می‌شود. این گفتمان، که در نزاعی آشکار با گفتمان پهلوی دوم ظهور پیدا می‌کند، به شکل جدی به واسازی گفتمان متخاصم خود می‌پردازد. گفتمان امام خمینی(ره)، گفتمان پهلوی را با خارجی بودن، قائل به شیء بودن زنان، موافقت با فحشا و بالاخص به‌عنوان گفتمانی که عفت و دینداری زن را در حاشیه قرار داده، معرفی می‌کند و معتقد است گفتمان پهلوی با طرح شعارهایی چون حرکت به سوی ترقی و پیشرفت، طرفداری از آزادی زنان، احترام برای زنان، برابری زنان و مردان و تمدن‌مدار بودن تلاش دارد زنان را سوژه‌ی گفتمان خود کند (کوثری و همکاران، ۲۰۱۷).

شریعتی و کلانتر معتمدی (۲۰۱۷) در مقاله «جایگاه زن در اندیشه‌ی امام خمینی(ره) و آثار اجتماعی آن»، عرصه‌های مختلف حضور زنان در اندیشه‌ی امام خمینی(ره) را فعالیت‌های علمی، فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، مبارزاتی شناسایی کرده و به نقش پراهمیت‌تر تربیتی زن و ایجاد روحیه مقاومت از سوی زنان از دیدگاه امام خمینی(ره) پرداخته است.

هدف از پژوهش «جایگاه و هویت زن در جدال گفتمان‌های ایرانی (با تأکید بر گفتمان امام خمینی)» بررسی و تحلیل تفاوت هویت و جایگاه دال زن در گفتمان امام خمینی(ره) با گفتمان‌های پیشین در تاریخ ایران از عصر باستان تاکنون می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان باستان هیچ هویت و شأن انسانی برای زنان قائل نبوده و زن را به‌مثابه اشیاء مایملک مردان تصور می‌کرد. گفتمان سنتی با استناد به تفاوت نظام طبیعی در خلقت، وضعیت فرودست زنان نسبت به مردان را توجیه می‌کرد. گفتمان مشروطه بر اندیشه برابری زن و مرد تأکید کرده و سنت و مذهب در ایران را عامل عقب‌ماندگی زنان می‌پنداشت. نگرش گفتمان پهلوی به جایگاه زن، نگرشی ابزار‌ی بود و فرهنگ مردسالار این گفتمان مانعی جدی برای تحقق وضعیت آرمانی زنان محسوب می‌شد. در گفتمان امام خمینی(ره) بر هویت انسانی زنان و مردان تأکید شده و این گفتمان خواهان جایگاه برابر و متناسب برای زنان از فرصت‌های اجتماعی است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در گفتمان امام خمینی(ره) بر هویت انسانی زنان و مردان تأکید شده و این گفتمان خواهان جایگاه برابر و متناسب برای زنان از فرصت‌های اجتماعی است (استاک و همکاران، ۲۰۱۸).

یافته‌های تحقیق «جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران»؛ حاکی از آن است که با توجه به تحلیل گفتمان بیانات و فضای عقیدتی رهبران انقلاب که پیروی از آموزه‌های اسلامی را سرلوحه رویکرد و رفتار خود قرار داده‌اند، می‌توان بر عظمت مقام زنان و تجلیل از دستاوردهای آنها تأکید کرد. همچنین رهبران انقلاب به‌صورت مداوم با مقولاتی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، برابری، مقام مادر، شجاعت، حق و تکلیف قائل شدن برای مشارکت در تعیین سرنوشت زنان تأکید می‌کردند و با ترفیع جایگاه زن در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی، معتقدند زنان باید عهده‌دار وظیفه ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام و ارزش‌های الهی باشند (سیمبر و رضاپور، ۲۰۱۸).

تفاوت تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین در این است که تحقیق حاضر بر آن است که دلالت‌های مترقی هویت زنانه را در گفتار امام خمینی(ره) بازشناسی کرده و ضمن آن دال خالی جایگاه زنان را در گفتمان ایشان جستجو کند.

چارچوب نظری و مفهومی

گفتمان عبارت است از «زبان به‌مثابه کنش اجتماعی» (فرکلاف^۱، ۲۰۱۳). از دیدگاه جامعه‌شناختی، گفتمان به‌مثابه هر عملی تعریف می‌شود که توسط آن افراد واقعیت را با معنا آغشته می‌کنند. در واقع، هر رویه اجتماعی از یک آیین یا یک قطعه موسیقی گرفته تا یک قرارداد کاری، اسطوره یا عرف آشپزی را می‌توان به‌صورت گفتمانی تحلیل کرد. با این حال، گفتمانی که بیشترین علاقه را برای جامعه‌شناسان دارد، گفتمانی است که شکل شفاهی به خود می‌گیرد، خواه مکتوب یا گفتاری. دلیل این علاقه خاص به گفتار کلامی دو چیز است: عملی و نظری. در عمل، گفتمان کلامی گفتمانی است که تحلیلگر می‌تواند به آن دسترسی پیدا کند و مورد بررسی قرار دهد. در واقع، تجزیه و تحلیل اشکال دیگر گفتمان، برای مثال گفتمان بصری، اغلب مبتنی بر ترجمه گفتمان به قالبی شفاهی با استفاده از توضیحات مفصل است. در تئوری، گفتمان کلامی وسیله‌ای ممتاز برای تولید و انتقال معناست. اگرچه گفتمان بصری و تا حدی گفتمان هارمونیک و فضایی به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش است، اما ارتباط کلامی رایج‌ترین راه تولید و انتقال معنا در جامعه ما باقی مانده است (رویز رویز^۲، ۲۰۰۹).

چارچوب مفهومی و نظری تحقیق حاضر نظریه نظریه گفتمان لاکلو و موفه است آن «مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های تحلیلی-نظری و به تعبیر فوکویی چارچوب‌های تاریخی و زمینه محور برای تحلیل صورت‌بندی‌های گفتمانی است» (تورفینگ، ۱۹۹۹: ۱۲ به نقل از علی‌پور و همکاران، ۲۰۱۷). براساس این نظریه کل حوزه‌ی اجتماعی، شبکه‌ای از فرایندها به‌شمار می‌آید که معنا درون آن خلق می‌شود. از این منظر تحلیل گفتمان قصد دارد نشان دهد که از طریق کدام فرایند کوشش می‌کنیم تا معنای نشانه‌ها را تثبیت کنیم، و کدام فرایند موجب می‌شود که در برخی تثبیت‌ها معانی به چنان امر معمولی بدل شوند که آن‌ها را پدیده‌ای طبیعی به‌شمار آوریم (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۱۵: ۵۴).

برای روشن شدن هر یک از مفاهیم به‌کار برده شده در تحلیل گفتمان لاکلو و موفه (به‌مثابه نظریه و روش) به تعاریف ارائه شده در آن بسته نظری و روشی می‌پردازیم:

دال و مدلول: نشانه یا دال امری است که معنا و مفهوم ویژه‌ای را متبادر می‌سازد. معنایی که هر گفتمان به یک دال می‌دهد مدلول نام دارد. مدلول مصداق دال را تعیین می‌کند.

دال مرکزی: به نقطه بلورینه شدن درون یک گفتمان و مرکز متمرکز کننده و انسجام بخش موقت و تثبیت نسبی معنا در درون یک مفصل‌بندی گره‌گاه یا دال مرکزی می‌گویند.

دال تهی: دالی است که گفتمان‌ها مدلول خاصی را بدان نسبت نمی‌دهند. دال خالی نشانه بحران‌ها و تقاضاها و بی‌قراری‌های گفتمان‌های مسلط هستند. که پس از ساخت‌شکنی آن، توسط گفتمان جدید در جایگاه دال مرکزی قرار می‌گیرند.

1. Fairclough

2. Ruiz Ruiz

مفصل‌بندی: گردآوری نشانه‌های گوناگون و ترکیب آن‌ها در هویتی جدید، سامانه‌ی نشانگانی یا مفصل‌بندی می‌گویند. در این سامانه، نشانگان و مفاهیم مانند حلقه‌های یک زنجیر دور نشانه‌ی مرکزی سامان می‌یابند. و کلیت ساختمان حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامند.

طرد: تثبیت معنای یک نشانه در درون یک گفتمان از طریق طرد دیگر معانی احتمالی آن نشانه صورت می‌گیرد. از این‌رو، یک گفتمان باعث تقلیل معنایی احتمالی می‌شود. گفتمان تلاش می‌کند تا از لغزش معنایی نشانه‌ها جلوگیری کند و آن‌ها را در یک نظام معنایی یکدست به دام بیندازد.

قابلیت اعتبار: منظور از قابلیت اعتبار این است که گفتمان با اصول اساسی و هنجارها و عرف جامعه تباین نداشته باشد.

قابلیت دسترسی: زمانی گفتمانی در دسترس است که تنها ساخت منسجم در دنیای کاملاً آشفتگی گفتمانی به نظر برسد.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی: شیوه‌های حفظ و استمرار قدرت و سازوکارهایی هستند که به‌واسطه آن گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته و نقاط ضعف خود را پنهان کنند و در مقابل نقاط قوت رقیب (غیر) را به حاشیه رانده و نقاط ضعف آن را برجسته سازند.

میدان گفتمان: تمام معناها ممکن و مخالف با نظم معنایی یک گفتمانی که دال یا دال‌های خود را طبق آن معنا می‌آراید و سایر معناها را از گفتمان خویش طرد می‌کند. محل این معناهای طرد شده را میدان گفتمان می‌گویند.

بی‌قراری: تزلزل در معنای نشانه را بی‌قراری می‌گویند. بی‌قراری ناشی از فروپاشی هژمونی گفتمان‌ها و نشان از روی کارآمدن گفتمان رقیب دارد.

غیریت‌سازی: غیریت‌سازی فرآیندی است که به‌واسطه‌ی آن گفتمان‌ها اقدام به تولید «غیر»، «دیگر» یا «دشمن» برای خود می‌کنند، زیرا وجود «غیر» باعث شکل‌گیری هویت و معنا می‌شود. به سخن دیگر هویت یک گفتمان در برابر یک غیر، معنا می‌یابد. همه هویت‌ها به‌وسیله یک اصل مشترک تقابل میان درون و بیرون شکل می‌گیرند.

تخاصم: لحظه‌ای است که گفتمان‌های رقیب همدیگر را طرد می‌کنند. نقطه تلاقی و برخورد گفتمان‌ها را نقطه تخصص آن‌ها می‌گویند.

هژمونی: هژمونیک شدن یک نشانه به این معناست که معنای آن در سطح وسیعی در افکار عمومی مورد پذیرش قرار گرفته است و یا در واقع نوعی انسداد، هر چند موقتی، در معنای نشانه به‌وجود آمده است. در این حالت، هژمونی حاصل می‌شود. در واقع، هژمونی به کمک تثبیت معنا حاصل می‌شود. پشتوانه هژمونی یا استیلای یک گفتمان قدرت، میران دسترسی و اعتبار آن است (برگرفته از یورگسن و فیلیپس، ۲۰۱۵ و لاکلو و موفه، ۲۰۱۴).

روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر برای بررسی جایگاه زنان در گفتمان امام خمینی(ره) از رویکرد تحلیل گفتمان با تکیه بر نظریه گفتمان لاکلو و موفه استفاده می‌کنیم. لازم به ذکر است که تحلیل گفتمان لاکلو و موفه یک بسته نظری و روشی است (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۱۵). از جنبه روشی این نظریه هر گفتمان از یک گره‌گاه اصلی (دال محوری) و ابعادی ایجاد شده است که محتوایی را به یک گره‌گاه نسبت و مفصل‌بندی ویژه‌ای را شکل می‌دهند؛ بنابراین در بازنمایی یک گفتمان در یک متن، این که چه ابعادی به گره‌گاه معنا می‌دهند، می‌تواند معرف نگاه متن به مرکزیت سوژه و نیز تأکید متن بر چگونگی تولید معنا باشد. از این رو نظام معنایی گفتمان امام خمینی(ره) در خصوص هویت زنان از ارزیابی معنایی گزاره‌های مطرح در مورد زنان در کتاب صحیفه امام(ره) به مثابه مرکز ثقل این گفتمان استخراج می‌شود.

یافته‌های تحقیق

در گفتمان پهلوی در راستای غربی شدن بر پوشش زنان تأکید می‌شود. کشف حجاب (غربی شدن) هم ارز با فعالیت اجتماعی و حضور در اجتماع، تلقی شده و به مثابه دال مرکزی گفتمان تجدد بازنمایی می‌گردد. امام خمینی(ره) با غیریت‌سازی از گفتمان و ارائه گفتمان انقلاب اسلامی اقدام به تولید «غیر»، «دیگر» یا «دشمن» برای گفتمان تازه هژمون شده می‌کنند، به این دلیل که وجود «غیر» باعث شکل‌گیری هویت و معنا می‌شود. هویت گفتمان انقلاب اسلامی در برابر گفتمان پهلوی معنا می‌یابد. چرا که همه هویت‌ها به وسیله یک اصل مشترک تقابل میان درون و بیرون شکل می‌گیرند. در همین راستا امام خمینی(ره) فعالیت اجتماعی زنان در حکومت پهلوی را به مثابه «فحشا» و «ضد دین» معرفی کرد تا ابتدا از آن شالوده‌شکنی کرده سپس الگوی مطلوب خود را ارائه نماید: «شما ببینید بیست و چند سال از این کشف حجاب گذشته است، حساب کنید چه کرده‌اید؟ زن‌ها را وارد کردید در ادارات، ببینید در هر اداره‌ای که وارد شدند، آن اداره فلج شد. فعلاً محدود است، علما می‌گویند توسعه ندهید، به استان‌ها نفرستید. زن اگر وارد دستگاهی شد، اوضاع را به هم می‌زند، می‌خواهید استقلالتان را زن‌ها تأمین کنند؟! کسانی که شما از آن تقلید می‌کنید دارند به آسمان می‌روند، شما به زن‌ها ورمی‌روید؟ ... (صحیفه نور، ج ۱، ۱۱۸).

همچنین پس از آغاز اجرای اصول شش‌گانه‌ی انقلاب سفید توسط شاه اظهار می‌کنند: «دستگاه حاکمه‌ی ایران به احکام مقدسه‌ی اسلام تجاوز کرد و به احکام مسلمه‌ی قرآن قصد تجاوز دارد. نوامیس مسلمین در شرف هتک است و دستگاه جابر با تصویب‌نامه‌های خلاف شرع و قانون اساسی می‌خواهد زن‌ها عقیف را ننگین و ملت ایران را سرافکننده کند. دستگاه جابر در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند. یعنی احکام ضروریه‌ی اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد، یعنی دخترهای هجده ساله را به نظام اجباری ببرد و به سربازخانه‌ها بکشد، یعنی با زور سرنیزه دخترهای جوان عقیف مسلمانان را به مراکز فحشا ببرد» (همان، ۱۵۳). «موضوع حق شرکت کردن زنان در انتخابات مانعی ندارد؛ ولی حق انتخاب

شدن آن‌ها فحشا به بار می‌آورد. موضوع حق رأی دادن زنان و غیره در درجه‌ی آخر اهمیت قرار دارد. ما می‌خواهیم مشروطیت را حفظ کنیم. اکنون در ایران حق آزادی از ما سلب شده، به فکر زن‌ها افتاده‌اند» (همان، ۱۹۱). «به نظر می‌رسد دغدغه‌ی رهبر انقلاب با چنین سخنانی این بوده است که اسلام را همگام با اپیستمه‌هایی چون آزادی زنان، مشارکت در جامعه و ترقی و توسعه نشان دهد و به قرائتی از اسلام تمسک بسته است که با این اپیستمه‌ها تعارضی نداشته باشد. تنها خط قرمزی که در این میان بیان شده، مسئله فساد و تنزل شأن زنان - با تعاریفی نه چندان مشخص - است؛ که این مسائل در گفتمان امام خمینی(ره) نیز مفصل‌بندی شده است. این در حالی است که چنین قرائتی از اسلام، بروز جدی در گفتمان‌های پیشینی و تاریخی برگرفته از اسلام نداشته است» (کوثری و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۴۲-۳۴۳).

در ادامه این شالوده‌شکنی امام خمینی(ره) در سخنرانی‌های خود تصویری از «زن مسلمان» را ارائه و تمام معناهای ممکن و مخالف با نظم معنایی گفتمان پهلوی را گردآوری کرده دال یا دال‌های خود از جایگاه زن مسلمان را طبق آن معنا می‌آراید و سایر معناها را از گفتمان خویش طرد می‌کند. و به ترتیب میدان گفتمان خود را سامان می‌بخشد:

یکی از نشانگان نظام معنایی هویت زن در ابرگفتمان انقلاب اسلامی نشانه «عفاف و حجاب» است که حول دال مرکزی «زن مسلمان» و هم ارز با آن معنا می‌یابد: «بانوان محترم ایران ثابت کردند ... که دژ محکم عفت و عصمت هستند» (صحیفه امام، ج ۱۴، ۳۵۶).

و فعالیت اجتماعی زن با حجاب و عفت مشروعیت می‌یابد: «امروز باید خانم‌ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را باید عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی، کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند» (همان، ج ۱۳، ۱۹۳). بدین ترتیب فعالیت اجتماعی زن در گفتمان سنتی تعدیل شده زمانی مجاز شمرده می‌شود که همراه با «حفظ عفت و دینداری» همراه باشد. از این‌رو دال فعالیت اجتماعی «زن مسلمان» متمایز از فعالیت اجتماعی «زن مدرن» غربی شده در قالب کشف حجاب است و در تعارض با آن است. بدین‌وسیله امام خمینی(ره) ضمن شالوده‌شکنی از دال اصلی گفتمان پهلوی که همانا کشف حجاب (غربی شدن) را هم ارز با فعالیت اجتماعی زنان می‌دانست و ایجاد تزلزل در معنای نشانه و بی‌قراری آن حضور اجتماعی زنان را با بی‌حجابی پیوند می‌داد، «عفاف و حجاب» را دال مرکزی جایگاه زنان در اجتماع معرفی می‌کند.

«تساوی حقوق زن و مرد» یکی دیگر از نشانگان نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی در خصوص هویت زنان است و آن بر این اساس قرار دارد که زن و مرد هر چند دارای تفاوت‌های طبیعی در خلقت هستند، اما از این تفاوت‌ها نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت بلکه باید هر دو دارای هویتی انسانی باشند: «از (نظر) حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد، بلکه در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد» (همان، ج ۴، ۳۶۴). بدین ترتیب امام خمینی(ره) ضمن مترقی اعلام کردن گفتمان انقلاب اسلامی در باب زنان «تساوی حقوق زنان و مرد» را به‌مثابه یکی

دیگر از مدل‌های جایگاه زنان در گفتمان انقلاب اسلامی معرفی می‌کند مدلولی که در گفتمان پیشین (پهلوی) مورد توجه نبود و می‌توان گفت که دال خالی نظام معنایی جایگاه زنان در آن گفتمان بود. یکی دیگر از نشانگان نظام معنایی هویت زن در ابرگفتمان انقلاب اسلامی نشانه «مشارکت سیاسی» است: «زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زن‌ها در جمهوری اسلام رای باید بدهند. همان طوری که مردان حق رأی دارند، زن‌ها حق رأی دارند» (همان، ج ۶، ۳۰۰). «همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند» (همان، ج ۱۸، ۴۰۳). این گفتمان مشارکت سیاسی زنان در گفتمان پهلوی را زمینه‌ساز «فحشا» معرفی می‌کند ولی رأی زنان مسلمان را در راستای حفظ اسلامی بازنمایی می‌کند و بدین وسیله با آن غیریت‌سازی می‌کند. شماها به اسلام خدمت کردید و بعد از این انشالله خدمت می‌کنید. ... دامن شما دامن عصمت، عفت و عظمت است» (همان ج ۶، ۵۰۱).

هر چند در گفتمان امام خمینی(ره) زنان حق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را دارند اما امام خمینی(ره) بر مقام مادری تأکید کرده و آن را به‌مثابه یکی از نقش‌های کلیدی زنان برمی‌شمارد و مسئولیت مادری را مقدس دانسته و بالاترین مسئولیت زنان می‌داند: «شما خانم‌ها به‌طوری که حالا خودتان می‌گویید معلم هستید؛ دو شغل شریف دارید. شما خانم‌ها دو تا شغل بسیار شریف دارید. یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه شغل‌ها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی‌توانم بیان کنم. پس شما یک شغل‌تان این است که بچه‌های خوب تربیت کنید. دامن مادرها دامن است که «انسان» از آن باید درست بشود. یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ و برای این که علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزند نیست. بچه‌ها از مادر بهتر [مسائل] را اخذ می‌کنند. آنقدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند. از این جهت بچه‌هایتان [را] در دامن‌تان تربیت اسلامی، تربیت انسانی بکنید تا وقتی تحویل می‌دهید شما این بچه را به دبستان، یک بچه صحیح، اخلاق خوب، آداب خوب؛ آن‌طور تحویل بدهید» (همان، جلد ۸، ۹۰).

«آزادی زنان» یکی دیگر از مدل‌های دال مرکزی «زن مسلمان» است. گفتمان انقلاب اسلامی ضمن ساختار شکنی از آزادی به معنای غربی آن، آن را به‌مثابه نوعی شکنجه برای زنان معرفی کرده و حضور زنان در سازندگی کشور را به معنای آزادی آنان به تصویر می‌کشد: «امروز زنان در جمهوری اسلامی همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان، نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می‌شد، که آزادی آنان، در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود» (همان، ج ۱۲، ۲۵۷). غیریت‌سازی این گفتمان با آزادی مطلوب گفتمان تجدد پهلوی بدین گونه است که گفتمان قبلی که کشف حجاب را زمینه‌ساز فعالیت اجتماعی زنان می‌دانست، گفتمان انقلاب اسلامی فعالیت اجتماعی

همراه با عفت را هم ارز با «آزادی» معرفی می‌کند. بدین ترتیب دال مدرن «آزادی» برای زنان در گفتمان سنتی تعدیل شده در قالب دال سنتی «عفت» معنا می‌یابد. بدین ترتیب آزادی در حول دال مرکزی «زن مسلمان» معنادهی می‌شود.

«نقش تربیتی زن» یکی دیگر از هویت‌هایی است که در گفتمان انقلاب اسلامی برای جایگاه زنان به تصویر کشیده شده و تعریف انسان‌سازی به خود گرفته است: «زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته با وجود زن است، زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت از دامن زن بلند می‌شود زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد» (همان، ج ۷، ۳۳۹). گفتمان انقلاب اسلامی ضمن پر اهمیت دادن جایگاه تربیتی زن در سرنوشت کشورها آن را با مقام تربیتی قرآن قرینه‌سازی می‌کند: «قرآن کریم انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز» (همان، ج ۶، ۳۰۰). در گزاره «زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند» اهمیت نقش «زن در خانواده» نیز بازنمایی می‌شود. این نقش در گفتمان تجدد نیز برای زنان تعریف شده بود ولی نقطه تمایز آن‌ها در تربیت اسلامی و قرآنی است.

«کسب علم و تقوا» یکی دیگر از مدل‌های است که به مفهوم «زن مسلمان» معنا می‌دهد. «علم و تقوا: «شما بانوان هم در علم کوشا باشید، و هم در عمل و هم در تهذیب اخلاق. همان‌طوری که علم تنها فایده ندارد، و تهذیب تنها کورکورانه فایده ندارد. علم و تهذیب نفس است که انسان را به مقام انسانیت می‌رساند» (همان، ج ۱۸، ۴۰۵). در دال «علم» نیز گفتمان سنتی تعدیل شده با ترکیب آن با تهذیب، خود را در تعارض با گفتمان مدرن معرفی می‌کند. زن عالم باید به تهذیب پردازد و تقوا پیشه کند. در غیر این صورت علم او فایده معنوی ندارد.

بدین ترتیب رهبر فقید انقلاب به‌عنوان نقطه ثقل گفتمان انقلاب اسلامی، «زن مسلمان» را یکی از دال‌های متعالی این گفتمان معرفی می‌کند. این دال معنادهنده به همهی نشانگان جایگاه زنان در گفتمان انقلاب اسلامی است. در این گفتمان ضمن فراخوانده شدن زنان با سوژه «زن مسلمان»، زن مسلمان با نشانگان حجاب و عفاف، مساوی با مرد، مشارکت سیاسی، آزاد، تربیت‌کننده و عالم و با تقوا به تصویر کشیده می‌شود. باید توجه داشت که دال‌های شناور مشارکت، آزادی، علم‌آموزی، تساوی زن و مرد که از نشانگان معنایی مفصل‌بندی نظام معنایی جایگاه زن در گفتمان تجدد نیز بود، در گفتمان انقلاب اسلامی نیز مفصل‌بندی شده‌اند اما معنایی که به آن‌ها داده شده، مبتنی بر دال مرکزی «زن مسلمان» است که هم ارز با «عفت و دینداری» بازنمایی می‌شود و حول آن معنادهی می‌شود و چنین زنی می‌تواند با حضور در عرصه‌های مختلف اجتماع حافظ انقلاب اسلامی باشد.

اما دال‌های خالی گفتمان انقلاب اسلامی در خصوص زنان مسائل حقوقی است. به نظر لاکلو و موفه تطور گفتمانی زمانی رخ می‌دهد که پادگفتمان‌ها شروع به تشکیک در نشانگان معنایی گفتمان مسلط کنند. گفتمان «حجاب اختیاری» در نقش یک گفتمان ضد‌هژمونیک ظاهر شده است. گفتمان

ضدهژمونیک که یک رشته کنش‌های جمعی را در برمی‌گیرد که در بازتولید نظم اجتماعی-اقتصادی و سیاسی حاکم اختلال ایجاد می‌کند و قوانین حقوقی موجود برای زنان را به چالش می‌کشد. از این رو لازم است که هویت «زن مسلمان» مورد توجه جدی قرار گرفته و دلالت‌های مترقی آن در جامعه بازسازی شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با عاریت گرفتن مفهوم «دیالکتیک گفتمان» فرکلاف (۲۰۰۱) می‌توان گفت که تشخیص و مرزبندی‌های گفتمانی تنها در تمایز و تفاوت‌های گفتمانی است که شکل می‌گیرد. در واقع گفتمان‌های مختلف یک رابطه دوسویه با یکدیگر دارند. از سویی در تمایز و تخالف با یکدیگر تهدیدکننده یکدیگر هستند و از سوی دیگر تنها در تمایز و در غیریت‌سازی با یکدیگر است که متمایز می‌شوند؛ لذا هویت‌بخش یکدیگر هستند (پورزکی، ۲۰۱۹: ۲۳۱). از این منظر گفتمان انقلاب اسلامی حاصل تنازع و تخالف گفتمان سنت و تجدد است. به سخن دیگر می‌توان گفت که تاریخ معاصر ایران عرصه نزاع و رقابت دو گفتمان «سنت» و «تجدد» بوده است و مسئله زنان نیز به همین نسبت تحت تأثیر رقابت گفتمانی بین سنت و تجدد قرار گرفته و سوژه زنان به یکی از پرمنافق‌ترین سوژه‌ها در نظام‌های معنایی هر یک از این گفتمان‌ها بدل شده است. گفتمان سنت معتقد به نابرابری ذاتی بین زن و مرد بود و زنان را با خصایصی همچون فرومایه، ناقص‌العقل، فساد افکن و ضعیفه از جامعه جدا می‌کرد که باید در خانه محصور باشد و مطیع شوهر و نقش تولید مثلی و جنسی و خانه‌داری را ایفا کند. این گفتمان تحت تأثیر مواجهه جامعه ایران در جریان انقلاب مشروطه با تجدد دچار بی‌قراری شد و توسط عناصر و مفاهیم گفتمان تجدد با زعامت حکومت پهلوی رو به افول نهاد. در گفتمان تجدد (مدرنیته کاذب)، در راستای غربی شدن بر پوشش زنان تأکید و کشف حجاب هم ارز با فعالیت اجتماعی و حضور در اجتماع، تلقی می‌شود. گفتمان‌های مدرن جایگاه زنان را در پدیده‌های مختلفی مانند امنیت برجسته کرده‌اند و به‌طور قابل توجهی در اکثر مطالعات امنیتی توجه به امنیت زنان و نقش زنان در ارتقای امنیت مهم و حیاتی تلقی شده است (هادسون، ۲۰۱۵: ۶۳۸)، و بر برابری جنسیتی تأکید می‌شود اما در گفتمان پهلوی که داعیه مدرن‌سازی زنان را داشت غربی شدن زنان ایرانی فقط در پوشش معنا شد و با این هویت برساخته شده برای حضور در اجتماع ترغیب شدند. در این میان لازم بود که هویت زن ایرانی از مذهب تهی می‌شد.

بدین ترتیب گفتمان انقلاب اسلامی به زعامت امام خمینی(ره) ضمن نگاه‌داشت برخی دال‌های گفتمان سنتی در خصوص زنان، اقدام به نقد وضعیت انفعالی زن در آن کرد، و همچنین با شالوده‌شکنی از نظام معنایی جایگاه زن در گفتمان تجدد بالاخص نشانه «کشف حجاب (غربی شدن)»، فعالیت اجتماعی زنان در حکومت پهلوی را به‌مثابه «فحشا» و «ضد دین» معرفی کرده بدین‌وسیله با همراهی توده مذهبی

مردم، شالوده‌ی گفتمان تجدد را دچار تخریب و فروپاشی می‌کند. و هویت و جایگاه زنان را در قالب هویت جدیدی با عنوان «زن مسلمان» که برخی نشانگان آن از گفتمان سنت و برخی از گفتمان تجدد (اما با روایت خاص گفتمان انقلاب اسلامی) گرفته شده است، بازنمایی می‌شود. و بدین ترتیب نشانگان معنایی زن مسلمان، با نشانه‌های حجاب و عفاف، مساوی با مرد، مشارکت سیاسی، آزاد، تربیت کننده و عالم و با تقوا به تصویر کشیده می‌شود. نزاع گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان پیشین (مدرنیته کاذب) بر سر هویت زن، در انتساب ارزش‌های غیراسلامی به زن بود لذا در بدو پیروزی انقلاب اسلامی دال شناور (هویت زن) در تقابل با دیگری «غیرمسلمان» قرار داده می‌شود و معنای آن در هویت اسلامی و دینی به انجماد می‌رسد. بنابراین «زن مسلمان» نشانه برجسته‌ای می‌شود که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا کرده و حول آن مفصل‌بندی می‌شوند. بدین معنا که دال‌های برگرفته از مدرنیته حول هویت «مسلمانی» یا به تعبیری «دینداری» معنادهی می‌شوند و با معنای رایج و مصطلح آن در تعارض و منازعه است. به‌عنوان مثال دال‌های آزادی زنان، دانش و حضور اجتماعی زن در دو گفتمان مدرنیته و انقلاب اسلامی با صورت یکسان، معناهای متفاوتی می‌یابند. در گفتمان جدید زن و مرد به‌مثابه مکمل یکدیگر بازسازی می‌شوند و دیگر نه در مقابل هم بلکه دوشادوش هم با رعایت شؤونات اسلامی صادر شده از ابرگفتمان انقلاب اسلامی در جهت پاسداری از این گفتمان به فعالیت در اجتماع می‌پردازند.

آنچه که در این میان قابل توجه و تأمل است این مسئله است که «خرده گفتمان‌های درون ابرگفتمان انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری از گفتمان‌های سنت و مدرن با نسبت‌های متفاوت، رویکردهای متفاوت و گاه متعارض به جایگاه زنان دارند» (عظیمی دولت‌آبادی و علی‌پور، ۲۰۱۹: ۵۸) این یک نوع آشفتگی اجتماعی در حوزه زنان را به‌وجود آورده است. با عنایت به این نکته که قدرت در بطن روابط و مناسبات وضع می‌شود از این‌رو می‌تواند در هر لحظه و در هر کنش و واکنش متقابلی مورد چون و چرا قرار بگیرد. این خصلت، امکان گشودگی قدرت (گفتمان) در برابر بازتفسیر و بازنویسی را فراهم می‌آورد. از این‌رو لازم است که هویت «زن مسلمان» مورد توجه جدی قرار گیرد و ضمن نگهداشت و پاسداشت هسته اصلی‌اش دلالت‌های به روز آن در جامعه ایرانی که در حال تحول و دگرگونی دمام است، بازتعریف و بازبرساخت شود.

References

- Alipoor, Parvin; Zahedi, Mohammad Javad, Maleki, Amir and Javadi Yegane, Mohammad Reza (2016). "Analysis of the discourse of sexual justice in the sixth five-year economic, cultural and social development program of the Islamic Republic of Iran", *Social Studies and Research in Iran*, Vol.6, No. 2: 203-229. (In Persian)
- Azimi Dolatabad, Amir and Alipoor, Parvin (2020). "Analysis of the Status of Women in the Islamic Revolutionary Sub-discourses", *Journal of Sociolinguistics*, Vol. 3, No. 9: 41-58. (In Persian)

- Fairclough, N. (2001). "The dialectics of discourse", *Textus*, Vol. XIV, No. 2: 231-242.
- Fairclough, Norman (1995). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, London: Longman
- Ghawam, Seyyed Abdul Ali and Asadi, Meshkat (2013). "Examining the position of women in various discourses of contemporary Iranian history, *Intercultural Studies*, Vol. 9, No. 23: 9-39. (In Persian)
- Howarth, David (1998). "Discourse Theory", *Political Science*, Vol 1, No. 2: 156-183. (In Persian)
- Hudson, V. M. (2015). *Women's status and national and international security*. In J.D. Wright (ed.), *International encyclopedia of the social & behavioral sciences* (pp. 638-643). Oxford: Elsevier Ltd.
- Jorgensen, Marian and Phillips, Louise (2014). *Theory and Method in Discourse Analysis*, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Kothari, Massoud; Tafarshi, Amir Ali and Alvinko, Masoumeh Sadat (2016). "Imam Khomeini and the construction of women's identity in the Islamic Revolution, How Pahlavi II's discourse and the hegemony of the meaning of Imam Khomeini", *Women in Development and Politics*, Vol. 15, No.3: 327-357. (In Persian)
- Laclau, Ernesto and Mouffe, Chantal (2014). *Hegemony and Socialist Strategy (Towards Radical Democratic Politics)*, translated by Mohammad Rezaei, Tehran: Sales Publication. (In Persian)
- Nikkhah Qomsari, Narges and Helalistodeh, Mina (2012). "From a sexual subject to a revolutionary subject: Representation of women in the discourse of the Islamic revolution", *Social Studies of Iran*, Vol.7, No. 3: 150-171. (In Persian)
- Nikkhah Qomsari, Narges; Sadeghi Fasai, Soheila (2011). "Women beyond traditional roles: examining the position of women in the words of Imam Khomeini". *Women in Culture and Art (Women's Studies)*, Vol. 4, No. 2: 5-24. (In Persian)
- Porzaki, Gitti (2018). "Evolution in a statement in the Islamic Republic of Iran, antagonistic, agonistic", *political sociology of the Islamic world*, Vol.7, No. 15: 231-254. (In Persian)
- Ruiz Ruiz, J. (2009). "Sociological Discourse Analysis: Methods and Logic", *Forum Qualitative Sozialforschung Forum: Qualitative Social Research*, Vol.10, No. 2: 1-3.
- Shariati, Elham; Kalanter Motamedi, Hajar Sadat (2016). "The place of women in the thought of Imam Khomeini and its social effects", *Social theories of Muslim thinkers*, Vol7, No. 2: 131-153. (In Persian)
- Sharifi, Saleh (2011). "The place of women in the spiritual advancement of society from the perspective of Imam Khomeini", *Islamic research journal of women and family*, Vol. 4, No 11.
- Simbar, Reza; Rezapour, Daniyal (2017). "The position of women in the discourse of the leaders of the Islamic Revolution of Iran", *Women and Society*, Vol. 9, No. 34: 133-154. (In Persian)
- Stock, Ruhollah; Navabakhsh, Mehrdad and Ghasemi, Yarmohammed (2017). "The place and identity of women in the conflict of Iranian discourses (with emphasis on Imam Khomeini's discourse)", *Women and Culture*, Vol. 10, No. 35: 22-7. (In Persian)
- Tajik, Mohammad Reza (2017). "Alienity and identity, the formation of revolutionary discourse in Iran", *Matin Quarterly*, Vol. 1, No. 1: 83-107. (In Persian)